فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۸۹ – ۱۱۳

بسترهای تاریخی تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر

با تأکید بر مسئله نظام سیاسی

عبدالله عطایی*
بهزاد قاسمی**

چکیـده

این نوشتار به بررسی تاریخی تحول گفتمان سیاسی اخـوان المسـلمین مصـر در رونـد تشکیل نظام سیاسی می‌پردازد و تحول اندیشه سیاسـی ایـن گـروه را در قـرن کنـونی نشان می‌دهد. اخوان المسلمین از مهم‌ترین گروه‌های اسلام‌گرای جهان عرب به شـمار می‌رود که در تحولات سیاسی جدید کشورهای عربی بسیار تأثیر می‌گذارد و بـه همـین سبب، نزد پژوهش‌گران مهم می‌نماید. اندیشه سیاسی این گروه در سده ۲۱ میلادی در سنجش با اندیشه‌های پیشین خود در درازنای دگرگونی‌های تاریخ اسلام، به از فرآیندی تحول گذشـته؛ یعنـی از گفتمـان اندیشـه‌های سیاسـی نخسـتین (خلافـت و حکومـت اسلامی) به گفتمان دموکراتیک گذر کرده است. اخوان المسـلمین پـس از جنبش‌هـای مردمیِ مصر، نخستین بار به رهبری محمد مرسی توانست از طریق شـیوه دموکراتیـک به قدرت برسد، اما این قدرت بیش از یک سال دوام نداشت. ناکامی اخـوان در برپـایی نظام سیاسی و دولت، چالش‌های بسیاری را پدید آورده که خود، رونـد تحـولی آن را در این برهه کند کرده و تأسیس دولت و بقای آن را به آینده‌ای نامعلوم واگذارده است.

کلیدواژگان

اخـوان المسـلمین، تـاریخ، گفتمـان سیاسـی، نظـام سیاسـی، خلافـت اسـلامی، نظـام دموکراتیک.

* استادیار دانشگاه بوعلی سینا، گروه تاریخ، همدان، ایران. a.ataei@basu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تـاریخ انقـلاب اسـلامی دانشـگاه بـوعلی سـینا، گـروه معـارف، همـدان، ایـران. ghasemi.b1981@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

مقدمه

جمعیت اخوان المسلمین مصر از مهم‌ترین احزاب اسلامی / سیاسی جهان اسلام و عرب است که نزدیک به نُه دهه در عرصه سیاسی جهان عرب تلاش می‌کند. هدف مؤسس حزب، خدمت به سرزمینش و کمک به مذهب و ملت مصر بود (Mitchell, ۱۹۹۳, ۸). این حزب از برجسته‌ترین نمایندگان اسلام‌گرای سیاسی سده کنونی به شمار می‌رود که پس از خیزش‌های مردمی در مصر از آن با نام‌های گوناگونی یاد می‌شود. اخوان المسلمین با اندکی تأخیر در ماجرای تحولات ۲۰۱۱ حاضر و تأثیرگذار بود. تحلیل‌گران و پژوهش‌گران بسیاری به مطالعه سیر تحول ایدئولوژیک و اندیشه سیاسی و اجتماعی این حزب پرداخته‌اند.

آیا اخوان المسلمین مصر در اوضاع سیاسی جدید جهان عرب و در مواجهه با تغییر یا اصلاح رژیم‌های سیاسی اقتدارگرای عربی، متحول و گفتمان و تفکر سیاسی‌اش دگرگون شده است؟ اندیشه و روی‌کرد سیاسی ـ اجتماعی این گروه برای سازگار شدنش با اوضاع تازه چه تغییراتی پذیرفته است؟ خیزش‌های مردمی جهان عرب (۲۰۱۱ م) و تغییر رژیم‌ها و سرنگونی رهبران سیاسی یا اصلاحات و دگرگونی‌های فراوان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعیِ باز و آزادانه‌تر کشورهای عربی، فرصت‌های شایسته‌ای برای جنبش‌های سیاسی به‌ویژه اخوان المسلمین مصر فراهم آورده است. این مقاله با تأکید بر مسئله تأسیس نظام سیاسی، درباره تحول گفتمان سیاسی این گروه بحث می‌کند. بسترها و فرآیند گذار به نظام دموکراتیک و مشکلات فراروی آن، از موضوعات مهم در این زمینه است. پرسش‌های اصلی پژوهش چنینَند: آیا اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در قرن ۲۱ در سنجش با گذشته تاریخی‌اش متحول شده است؟ با فرض پاسخ مثبت به این پرسش، تحول آن به کدام سو و با چه فرآیندی صورت گرفته است؟ فرض این است که گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر در قرن کنونی با گذار از گفتمان اندیشه‌های سیاسی نخستین (خلافت اسلامی در تاریخ اسلام) به گفتمان تازه کشورداری با تمرکز بر حکومت دموکراتیک و عرفی با هدف تشکیل نظام سیاسی متحول شده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

چارچوب نظری

مباحث گفتمانی در پژوهش‌های علوم انسانی از زمان گسترش مطالعات زبان‌شناختی آغاز قرن بیستم و تأسیس دانش نشانه‌شناسی به‌ویژه آموزه‌های فردیناند دوسوسور پیدا شد. سوسور زبان‌شناس سوئیسی ساختارهای زبانی را طرح کرد و به نقد روابط دال و مدلول پرداخت و تحول بزرگی در زبان‌شناسی پدید آورد و از همین روی، بنیادگذار نشانه‌شناسی نام گرفت (laclau and mouffe,۱۹۸۷, ۱۷٦).

مطالعات گفتمانی تا دهه ۱۹۷۰ تنها در نشانه صورت می‌گرفت و به اوضاع اجتماعی و محیطی پدیده‌ها ارجاع نمی‌شد. بعدها در دهه‌های اخیر با رشد زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی به حوزه تحلیل گفتمان آمد و پس از این، تحلیل گفتمان انتقادی افرادی چون وندایک و فرکلاف پدید آمد (سلطانی، ۱۳۸۳، ۱۵۴). «نظریه گفتمان» بر نقش زبان و بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تأکید می‌کند. ارنست لاکلاو و شانتال موفه این الگوی زبانی را تا سطح دانشی گستردَند که خود از فرآیندهای سیاسی و اجتماعی بود. نخستین حرکت پذیرش این نکته است که نظام‌های اجتماعی بر پایه اصول گفتمان ساخته می‌شوند. این نکته مؤید شخصیت نمادین روابط اجتماعی است. برداشت‌های لاکلاو و موفه درباره گفتمان با یک‌دیگر و با مفهوم سوسوری زبان، بسیار متفاوت است، اما به هر روی، جهان محصول نظریه‌ها، ایدئولوژی‌ها و به تعبیر دیگر، گفتمان‌هاست؛ یعنی پدیده‌ها از راه گفتمان‌ها معنا می‌یابند. گفتمان‌ها به معنای نظامی از نشانه‌های معنادار که هویت سوژه و ابژه‌ها را می‌سازند، سازه‌هایی در ذات خود سیاسی‌اند. بنابراین، خود پدیده‌ها در چارچوب ساختارهای موجود عمل می‌کنند و دوام جامعه موجود را مفروض می‌گیرند (تاجیک، ۱۳۷۸، ۷).

این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحلیل گفتمان کار خود را پیش می‌برد. روش تحلیل گفتمان، دوام اندیشه را نفی می‌کند و به اثبات اندیشه سیاسی مسلمانان در درازنای تاریخ سیاسی اسلام در جهان اسلام می‌پردازد. بر پایه این الگو رشد و گسترش شاخه‌های دانش در اندیشه و جامعه اسلامی از مسئله کاربرد قدرت تفکیک‌پذیر نیست، بلکه دانش سیاسی مسلمانان همراه استقرار سازِکارهای قدرت پدید آمده است.

پدیده‌های اجتماعی و سیاسی، بلکه جهان واقعیت تنها درون ساخت‌های گفتمانی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

درک‌پذیر است و هیچ چیزی از خودش هویتی ندارد (حقیقت، ۱۳۸۷، ۵۳۴). بنابراین، گفتمان سیاسی اهل‌سنت در برهه تاریخی خود (اخوان المسلمین) تفسیری از نصوص دینی و سنت پیامبر (ص) بود، اما پس از اینکه حسن البنا جمعیت اخوان را تأسیس کرد، آن گفتمان با محوریت این حزب یک‌نواختی و وحدتَش را از دست داد؛ یعنی تا ۲۰۱۱ تنوع گفتمانی بر اندیشه سیاسی اهل‌سنت حاکم بوده و پس از خیزش‌های ۲۰۱۱ متحول شده است. این مقاله، برای وصول به هدف و پاسخ به پرسش پژوهش، با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین را در این قرن و علل و عواملش را برمی‌رسد. «مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمان مشترکی باشد، گفتمان می‌نامم» (Foucault,۱۹۶۲, ۱۱۷). گفتمان اخوان المسلمین مجموعه‌ایی از گزاره‌ها و احکام مانند «باز گشت به دوره خلافت اسلامی دوره اولیه تاریخ اسلام»، «اسلام، دارای بعد سیاسی است»، «بازشناسی نقش دین و کارویژه‌های آن در جامعه و انتظارات جدید از آن»، «گسترش گفتمان اندیشه تمدن غربی و به تبع آن دین‌زدایی و مدرنیزه کردن» است.

خیزش‌های مردمی مصر، جامعه مصریان را به تعیین سرنوشت خود برانگیخت و از سوی دیگر جنبش اخوان المسلمین پس از ورود به این جنبش، در اندیشه نظام دموکراتیک بود. نسل جدید اخوان المسلمین به این نتیجه رسیدند که چارچوب‌های پیشین در این دوره از توانایی اداره جامعه و حل مسائل عصر، برخوردار نیستند. این نگرش درباره خلافت اسلامی نه تنها به شکل بنیادین متحول شد که گفتمان جدیدی برای توان‌مند کردن اندیشه اخوان المسلمین در پاسخ به نیازهای جدید عرضه کرد. بنابراین، مباحث تازه‌ای درباره نظام دموکراتیک و عرفی و وظایف آن طرح و تعریف شدند.

گفتمان روش پژوهشی جدید و بدیعی در مطالعات علوم سیاسی و تاریخی است و کاربست نظریه و روش گفتمان در این پژوهش به تحلیل بحث کمک می‌کند. نظریه گفتمان که روشی برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی و اندیشه سیاسی به شمار می‌رود، برای رسیدن به هدف پژوهش درحوزه مطالعات تاریخ سیاسی جهان اسلام، به کار می‌آید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

گفتمان سیاسی اخوان‌المسلمین تا ۲۰۱۱

اخوان المسلمین مصر کهن‌ترین گروه سیاسی جهان اسلام به شمار می‌رود که از دید سیاسی تطور و تحول پذیرفته است. این جمعیت خود را از دو گروه اصلی حاکم بر مصر و جهان عرب متمایز کرد: گروه سکولار و ملی‌گرای معطوف به اندیشه‌های جدید غربی که حسن‌البنا آنها را اردوگاه «اباحی‌گری» می‌خواند و سلفی‌های افراطی. حسن‌البنا با تأسیس اخوان المسلمین در تقویت فرآیند اصلاح‌طلبی اسلامی کوشید و کار او به برجسته شدن گروه اسلام‌گرا انجامید. البنا در برهه تأسیس حزب بر این مسئله تأکید می‌کرد که اسلام سیستم یک‌پارچه و سازِکار اجتماعی و فرهنگی است که همه بخش‌های زندگی بشر را در فرامی‌گیرد (Al-Banna, ۱۹۷۸, ۳۵).

اخوان المسلمین پس از دوره نخستینَش که از اندیشه‌ها و مدیریت حسن البنا و سید قطب متأثر بود، آرام‌آرام به سوی تکثر و تحول فکری و روی‌کردهای سیاسی حرکت کرد. قطب از دید سیاسی در اخوان المسلمین بسیار تأثیر گذارد که این تأثیر هنوز هم در این گروه نمایان و با سیاست مصر آمیخته است. دیدگاه او درباره دفاع بدون خشونت از اسلام و تأکید وی بر عدالت اجتماعی و آموزش و پرورش، بنیاد اندیشه اخوان المسلمین کنونی است. تفسیر او درباره جهاد خشونت‌آمیز و ناخشونت‌آمیز و کاربردش در دگرگونی اجتماعی، در بسیاری از مبارزان اسلام‌گرایی پس از وی، تأثیر گذارد. البته گروه‌های میانه‌رو، به برخی از دیدگاه‌های سید قطب بر اثر تندرو (رادیکال) بودن آنها، تن ندادند. برای نمونه، سید قطب همچون دیگر اعضای اخوان المسلمین معتقد بود اسلام در جامعه اسلامی، جاری و امت اسلامی نام گروهی از مردم است که رفتار، اندیشه، ارزش و قانون اسلامی دارند. [منابع و اساس زندگی مدرن] «همگی مشتق از منابع اسلامی است»، اما به وضوح متوجه می‌شویم که کل جهان غرق در جاهلیت است و این جاهلیت اساس طغیان علیه حاکمیت خدا بر روی زمین است». چنین نگرشی تند می‌نمود (صادقی و چیت سازیان، ۱۳۹۲، ۸).

سید قطب درباره این باور چنین استدلال می‌کرد: هر رژیمی که مدعی است مشروعیت خود را از نمایندگی منافع مردم می‌گیرد، غیراسلامی و جاهلی است؛ زیرا تمدن اسلامی، ماهیتی غیرعربی و جهانی دارد و مرز نمی‌شناسد. بنابراین، او نه تنها مسئله

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

ملیت را در پیروزی اسلام نامهم می‌شمرد که به‌رغم روی‌کردهای «پان عربیستی»، آن را با اسلام متضاد می‌خواند. شکاف سیاسی اصلی میان انسان‌ها، از دید قطب میان امت اسلامی و جهان جاهلی ضد اسلامی یا بر پایه اصطلاحی که قطب از مکتب حنفی وام گرفت، میان قلمرو اسلام (دار الاسلام) و قلمرو کفر (دار الحرب) است (صادقی و چیت سازیان، ۱۳۹۲، ۹).

آموزه‌های اخوان بیشتر از اندیشه‌های حسن البنا و سید قطب برمی‌آید. این بنیادگذاران جنبش، دیدگاه صریحی درباره دموکراسی نداشتند. البته واکنش منفی به برخی از دیدگاه‌های سید قطب که برخی از اعضای تندرو آن را تأیید می‌کردند، خود زمینه را برای پیدایی تساهل و تسامح دینی و سیاسی فراهم می‌کرد؛ ویژگی بایسته‌ای که برای تأسیس جامعهٔ دموکراتیک، ناگزیر است.

تحول و تکثرِ تفکر و روی‌کردهای سیاسی نخستین اخوان المسلمین، پی‌آمد چند عامل بود:

۱. ظهور شخصیت‌های فکری و رهبران سیاسی فراوان پس از حسن البنا با اندیشه‌ها و روی‌کردهای متنوع؛

۲. تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی مصر و رویارویی اخوان المسلمین با فرصت‌ها و تهدیدهای جدید که خود به طرح اندیشه‌ها و روی‌کردهای تازه سازگار با اوضاع جدید می‌انجامید؛

۳. گسترش اخوان المسلمین به دیگر کشورهای عربی و تأثیرگذاری اوضاع سیاسی ـ اجتماعی و اندیشه‌های رهبران برون‌مصری آن در روی‌کردها و سوگیری‌های این جماعت.

اسلام از دید برخی از رهبران اخوان المسلمین، تنها دین نبود، بلکه تمدن و راهنما به شمار می‌رفت (Hourani, ۱۹۷۰, ۱۱۳). کسانی معتقدند حرکت عمومی برای استفاده از ابزارهای دموکراتیک نزد نسل دوم اسلام‌گرایان پیدا شد (Khan, ۲۰۰۱, ۱). استفاده از ارزش‌های دموکراتیک به معنای پذیرش تکثرگرایی، همه‌پُرسی، مجلس و قانون، آنان را بهتر به هدف می‌رساند.

بنابراین، جمعیت اخوان المسلمین در زمان تأسیسَش، جنبشی با روی‌کرد صوفی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

اسلام‌گرا در برابر گروه‌های سکولار جهان عرب و جمعیتی مخالف و مبارز با الغای خلافت و مقاوم در برابر گسترش الگوی سیاسی لائیک در جهان اسلام بود. هم‌چنین برای احیای خلافت و بازگشت به دوره خلافت اسلامی می‌کوشید. حسن البنا به‌رغم دل‌بستگی‌اش به صوفیه و نیایش‌های دینی، برای آمیختن اندیشه اسلامی و ملی بسیار تلاش می‌کرد (Harris, ١٩٦٤, ١١٤). نهضت اسلامی سنی در مصر نخستین و مهم‌ترین مدعیِ نوعی نظام اسلامی بود که توانست هم در زمینه تولید و پردازش نظریه و رأی سیاسی و هم در زمینه‌های سیاست عملی، تأثیر بگذارد (قادری، ۱۳۸۶، ۸۹). این حزب امروز از مصر فراتر رفته و در کشورهای جهان عرب و غیرعرب گسترده و در قلمروهای جغرافیایی گوناگون، از دید فکری تغییراتی نیز پذیرفته است. بر پایه اسناد و نامه‌های بر جای مانده از مؤسس حزب، البنا در اندیشه تأسیس نظام سیاسی بر پایه شریعت اسلامی بود. این گروه به‌رغم گذار تدریجی‌اش به سیاست و تلاش برای برپایی نظام سیاسی و نقش‌آفرینی‌های مهم در کشورهای مختلف عربی، به چالش‌های بنیادین به‌ویژه در حوزه سیاسی گرفتار بوده است که این نوشتار به برخی از این منازعات اشاره می‌کند.

ضعف تدریجی اندیشه خلافت اسلامی و قوت گرفتن نظریه حکومت اسلامی در چارچوب‌های ملی؛ سپس حکومت دموکراتیک و متکثر، از مهم‌ترین تحولات فکری اخوان المسلمین است. تغییر، تحول و تکثر دیدگاه آنان درباره سیستم چند حزبی، شیوه‌های پارلمانتاریستی، شیوه‌های عمل، مسائل سیاست خارجی و منطقه‌ای و حقوق و آزادی‌های مختلف نیز از این دست دگرگونی‌ها در اصول و محورهای سیاسی ـ اجتماعی است.

رویکرد اندیشه خلافت اسلامی

اخوان المسلمین نخست رویکردی غیر سیاسی پیش گرفت، اما پس از سپری کردن مراحل رشد و توسعه‌اش، اندیشه‌ها و رویکردهای سیاسی خود را آشکار و دنبال کرد. به‌رغم تأکید پیوستهٔ اخوان المسلمین بر مسائل فرهنگی و اجتماعی همچون پذیرش نظریه تربیت فراگیر فردی در همه مراحل، چگونگی رویارویی با پدیده حکومت از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

پرسش‌های اساسی فراروی آن بود. حسن البنا درباره روی‌کرد اخوان المسلمین به حکومت می‌گوید: این جماعت در پرتو فهم خود از اسلام، حرکت می‌کند و اسلام حکومت را رکنی از ارکان خود می‌داند. به گفته وی، پیامبر اکرم (ص) حکومت را ستونی از ستون‌های اسلام خوانده و موضوع حکومت در بخش عقاید و اصول نه در فروعات فقهی، گنجانده شده است. از دید حسن البنا، هم‌بستگی دین و حکومت با یک‌دیگر و فراگیری اسلام، از اصول مهم این دین است. خلافت یا حکومت اسلامی غایت و هدف فرجامین اخوان به شمار می‌رود (خامه‌یار، ۱۳۹۰، ۱۵۷).

تأسیس اخوان المسلمین در مصر پاسخی به جنبش‌های سیاسی چیره بر اوضاع دهه دوم قرن بیستم بود. این حزب، پاشیدگی خلافت اسلامی و آشفتگی وحدت جغرافیایی کشورهای اسلامی را پی‌آمد سر دادن شعارهای ملی و نغمه‌های ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبانه روشن‌فکرانی می‌دانست که بیشترشان عرب‌تبار و بی‌مذهب و تحصیل‌کرده و غرب‌گرا و به سیاست‌های استعماری وابسته بودند. این جمعیت با رد گرایش‌های ملی‌گرایانه به جای تأکید بر مرزهای جغرافیایی ملی، بر مرزهای عقیدتی تأکید می‌کرد و نمونه آرمانی حکومت را خلافت اسلامی می‌دانست و از این‌رو، گسترش اخوان المسلمین در دیگر کشورهای عربی نیز مطرح و دنبال شد.

«خلافت» از دید اخوان المسلمین، نماد وحدت اسلامی و مظهر ارتباط ملت‌های مسلمان و حسی اسلامی و اندیشیدن درباره‌اش، بر هر مسلمانی واجب است. از این‌رو، مهم‌ترین برنامه اخوان، بازگشت خلافت بود. البته این کار از طریق زمینه‌سازی فراوان سامان می‌گیرد و پیش از برداشتن آخرین گام در راه بازگشت خلافت، برداشتن گام‌هایی همچون توسعه هم‌کاری‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملت‌های مسلمان و امضای معاهده‌ها و برپایی اتحادیه‌ها، مجامع و کنگره‌ها با حضور کشورهای اسلامی با هدف وحدت جوامع اسلامی، ناگزیر است (خامه‌یار، ۱۳۹۰، ۱۵۷). مهم‌ترین مسئله عرصه داخلی اخوان المسلمین، انحصارطلبی بود. این ویژگی او را از گروه‌هایی با روی‌کردهای تکثرگرا در جوامع متکثر و چندحزبی جدا می‌کرد. حزب در روزگار البَنا با شرکت در انتخابات پارلمانی ۱۹۴۲ و ۱۹۴۵، نظام پارلمانی را برای تعدیل و اصلاح قانون اساسی برگزید (محمد، ۱۳۸۴، ۱۷۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

اندیشه سیاسی نخستین اخوان المسلمین با تأکید بر خلافت اسلامی و تقابل با ملی‌گرایی، روی‌کردهای سکولار، تکثرگرایی حزبی و مبتنی بودن بر اصول و اندیشه‌های اسلامی، با ایده دولت مدرن دموکراتیک متعارض بود؛ چنان‌که رشد و توسعه اخوان المسلمین در کشورهای مسلمان گوناگون، با هدف مقابله با ملی‌گرایی سکولار صورت گرفت که پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در جهان عرب گسترش می‌یافت. باری، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نخستین آرام‌آرام متحول شدند و از تکثر، تنوع و تحول سیاسی بر کنار نماندند. عواملی به چنین تحول و تکثر تدریجی انجامید که فشارهای رژیم مبارک، ناکامی برخی از روی‌کردهای بنیادگرای اخوان در تفکر اندیشه‌ورزانی مانند سید قطب یا حتی تأثیرات جهانی شدن، از مهم‌ترین آنها بود.

روی‌کرد تدریجی به سیاست و گرایش به تنوع اندیشه

گفتمان جمعیت آرام‌آرام از خاستگاه اندیشه خلافت اسلامی به سوی اندیشه حکومت اسلامی متحول شد و در این چارچوب بر کنار از شروط مُجری و حاکم، اجرای شریعت اسلامی را مهم می‌شمرد؛ یعنی دیدگاه سیاسی خاص و انحصارگرای اخوان المسلمین آرام‌آرام به دیدگاهی متکثر و تحزب‌گرا بدل گشت. اخوان بر اثر پیدایی روی‌کرد جدید، می‌کوشید در روی‌کرد انحصارطلبانه حزبی نخست خود دوباره بیاندیشد و آن را به به تکثرگرایی نزدیک کند؛ چنان‌که دو یادداشت رسمی مهم درباره زنان مسلمان در جامعه اسلامی، شورا و نظام چندحزبی منتشر کرد (مارس ۱۹۹۴). یادداشت دوم درباره شورا و نظام چندحزبی با مسائل شورا و دموکراسی جدید مطابق بود و بر این تأکید می‌کرد که ملت منبع قدرت است و آن را به فردی معتمَد وامی‌گذارد. البته قانون باید از اصل شریعت و اهداف و مقاصد و اصول کلی آن گرفته شود. این یادداشت، شعار سنتی اخوان؛ یعنی «قرآن، قانون اساسی ماست» را به این مضمون تفسیر و توجیه و بر حفظ آزادی‌های عمومی و خصوصی و تعیین مسئولیت رهبران و چگونگی رسیدگی آزادانه به رفتار آنان در برابر پارلمان، تأکید می‌کند (محمد، ۱۳۸۴، ۲۶۲). اخوان المسلمین به مشروعیت اصل شورا (از اصول نخستین اسلامی) باور دارند، اما ماهیت شورا با ماهیت نظام چندحزبی و پارلمانی متفاوت است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

اخوان المسلمین نخست با شیوه‌های پارلمانتاریستی و لیبرالیستی مخالف بود و آنها را رد می‌کرد؛ چنان‌که بنابر اساس‌نامه‌اش اعلام کرد نمی‌خواهد از طریق انتخابات به قدرت برسد و تعبیر دقیق‌تر، از شیوه‌های لیبرالیستی برای رسیدن به قدرت استفاده نخواهد کرد، اما آرام‌آرام دیدگاهش تغییر پذیرفت؛ چنان‌ه تنها راه تحقق هدف‌هایش را شیوه پارلمانتاریستی و راه یافتن به پارلمان دانست. ائتلاف اخوان با احزاب ضد مذهبی و لائیک در مصر و اُردن و الجزایر، بر این تغییر گواهی می‌دهد. اخوان المسلمین نخست حزب‌گرایی را قاطعانه رد می‌کرد؛ چنان‌که از دید حسن البنا درباره این مسئله نمی‌بایست بحث می‌شد؛ زیرا تحزب سرچشمه شرارت‌ها و مفاسد سیاسی و اجتماعی و با اصول قطعی اسلام ناسازگار است. اسلام، پیروانش را «امت واحده» می‌خواند و وحدت اسلامی اصلی جدایی‌ناپذیر و بنیادین در حیات جامعه مسلمانان به شمار می‌رود و هیچ مسامحه‌ای در این باره نباید صورت بگیرد. گفتمان سیاسی اخوان المسلمین و چگونگی مواجهه‌اش با نظام‌های سیاسی به‌رغم برخی از تشابه‌ها و اشتراک‌های نخستین، صورت متنوع و متکثری به خود گرفت که در پی آن، تکثرگرایی سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک در جایگاه «حقوق انسانی» نزد این گروه پذیرفته و با آموزه‌های اسلام سازگار شد (رادگودرزی، ۱۳۹۲، ۱۴۸).

گذار اخوان المسلمین به اندیشه سیاسی جدید

خیزش‌های مردمی و بیداری ملت‌های مسلمان در خاورمیانه و شمال آفریقا (۲۰۱۱ م)، زمینه سیاسی و اجتماعی تازه‌ای برای نقش‌آفرینی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی گوناگون منطقه در صحنهٔ سیاسی فراهم کرده و اخوان المسلمین در کشورهای عربی با توجه به تحولات فکری و روی‌کردهای سیاسی‌اش، به جنبشی متکثر با تفکرات گوناگون و حتی متناقض و تیره بدل شده است. برای نمونه، به باور کسانی اخوان المسلمین مصر از آغاز تا کنون سه دیدگاه درباره حکومت و سیاست عرضه کرده است:

۱. لزوم حاکمیت حکومت خلیفه‌ای یا خلافت اسلامی مانند صدر اسلام برای اجرای فرمان‌های شریعت که این دیدگاه اکنون پیروان اندکی میان اخوان دارد؛

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

۲. لزوم برپایی حکومت اسلامی در مصر که پیروان کمابیش بسیاری دارد؛

۳. لزوم فراگیری آزادی‌های مدنی بر پایه الگوهای غربی برای تحقق مشارکت سیاسی و آزادی‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر پیدا شده است و بر حضور زنان در جامعه، آزادی احزاب سیاسی و حکومتی لیبرال تأکید می‌کند.

اخوان المسلمین در حفظ انسجام داخلی و عرضه روی‌کرد و دیدگاه سیاسی واحد می‌کوشد و چنین تکثری، به تناقضات مهمی در اندیشه اخوان می‌انجامد (محبی، ۱۳۹۰، ۳).

اخوان المسلمین بر اثر تحولات جدید در جهان عرب تلاش می‌کند از فرصت‌های سیاسی کنونی بسی بهره ببرد و عمل‌کردش نیز به کاهش موانع و مشکلات فراروی این جنبش معطوف است. اخوان المسلمین با توجه به ویژگی‌های مردمی تحولات عربی کنونی و گرایش‌های ضد استبدادی‌اش، تلاش می‌کند تفکر و روی‌کرد سیاسی خود را با روندهای دموکراتیک سازگار کند تا از این طریق با توجه به اوضاع زمان و مشکلات زمانی تصمیم بگیرد (Helfont, ۲۰۰۹, ۲). البته این زمانه‌محوری به معنای دور شدن از اصول و مفاهیم اسلامی و ویژگی اسلام‌گرایی اخوان نیست، بلکه در سازگار کردن مردم‌سالاری با اسلام‌گرایی می‌کوشد. اصول و مبانی فکری و معرفت‌شناختی اسلام‌گرایی با اصول و مبانی فکری و معرفت‌شناختی جوامع سکولار هم‌سو نیستند، اما اخوان المسلمین در این روی‌کرد از سویی در پی بهره‌گیری از استعداد مردمی (درونی) برای دست‌یابی به بخشی از قدرت سیاسی و از سوی دیگر، به دنبال افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی (بیرونی) خودش است (Zubaida, ۱۹۹۱, ۲۸)؛ کاری که با هدف دشوار کردن مانع‌تراشی بازی‌گران رقیب و مخالف در برابر جنبش سامان می‌گیرد. برخی از اندیشه‌های اخوان المسلمین در فرآیند تأسیس نظام سیاسی جدید چنینند:

۱. شیوه حکومت دموکراتیک و عرفی

اخوان المسلمین پس از تحولات ۲۰۱۱ مصر، بر ایجاد حکومت عُرفی و مردم‌سالر متمرکز شده است. این حزب از ۱۹۹۰ نیز بدین موضوع توجه می‌کرد، اما تحولات ۲۰۱۱ به این گرایش شتاب بخشید و «کاتالیزور» آن بود. حکومت اسلامی در روی‌کرد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

جدید این جنبش، جای خود را به حکومت مسلمانان می‌دهد و به جای تأکید بر موازین و محتوای حکومتی پذیرفته نزد بنیادگذاران اخوان المسلمین، بر حکومت عرفی استوار بر پایه آرای عمومی تأکید می‌شود. اخوان المسلمین چند دهه با موانع سختی برای مشارکت در عرصه قدرت روبه‌رو بود و به‌رغم پذیرش چارچوب‌های سیاسی شبه اقتدارگرای عربی و شیوه‌های پارلمانتاریستی، توانست در این عرصه تأثیر بگذارد. اخوان اوضاع کنونی و پیدایی حکومت‌های عرفی مردم‌سالار را زمینه‌ای برای مشارکت در قدرت می‌داند و از سوی دیگر، اکنون ایجاد حکومت اسلامی در بیشتر کشورهای عربی موانع و حساسیت‌های داخلی و خارجی فراوانی فرارو دارد. گروه‌های سیاسی تأثیرگذار و گوناگون دیگر مانند سکولارها نیز به مشارکت مردم در قالب‌های دموکراتیک نیاز دارند. برای نمونه، عصام العریان زمانی پیش از این، مخالفت اخوان المسلمین را با دموکراسی، دروغ بزرگ ی شمرد و تأکید کرد: حکومت قانون و حکومت اسلام کنار یک‌دیگرند و ما به دنبال دموکراسی‌ایم و تا هنگامهٔ مرگ به آن وفادار می‌مانیم. این عضو برجسته اخوان حتی در اندیشه عرضه یا تجویز الگوی مطلوب و مناسب دموکراسی برای جامعه مصر بود: الگوهای متنوعی از حکومت‌های دینی در عربستان، سودان و افغانستان هست، اما مصر می‌تواند الگوی سیاسی دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تری پیش نهد (صادقی و چیت‌سازیان، ۱۳۹۲، ۱۶).

هم‌چنین محمد الهضیبی فرزند حسن الهضیبی دبیر کل سابق اخوان المسلمین زمانی پیش از این اشاره کرده بود که بر میزان اندک دموکراسی در مصر خواهیم افزود و آن را حفظ می‌کنیم و تا کامل شدن [چارچوب ادای] همهٔ حقوق، به استوارسازی و گسترش آن می‌پردازیم. مهم این است که جست‌وجو و پی‌گیری خواست دموکراتیک را در عمل ثابت کنیم (صادقی و چیت سازیان، ۱۳۹۲، ۱۷).

۲. جایگاه اسلام در نظام دموکراتیک جدید

اسلام و ایمان، از آرمان‌ها و هدف‌های نخستین حزب بوده است؛ چنان‌که اکنون نیز به‌رغم پذیرش چارچوب‌های سیاسی عرفی و دموکراتیک، بر اصول، الگوها و سنت اسلامی تأکید می‌کند (الهضیبی، ۱۳۷۹، ۸۰). اخوانی‌ها در سازگار نُمودن دموکراسی با ارزش‌ها و اصول اسلامی می‌کوشند و معتقدند دموکراسی‌خواهی به معنای حذف و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

نبود مطالبات اسلام‌گرایانه نیست. محمد مهدی عاکف، در این‌باره می‌گوید: «ما در مصر حکومت مدنی می‌خواهیم با مرجعیت اسلام. بنابراین، مرجعیت اسلام و مبنا بودن اسلام برای تمامی قوانین در چارچوب حکومت مدنی از موضوع‌های جدی مورد توجه اخوان المسلمین است» (خدایی، ۱۳۹۰، ۱).

الگوی اسلامی اخوان المسلمین، از دید نظری و عملی برای اداره جامعه و ساخت جامعه‌ای متجدد و سعادت‌مند خودبساست. اخوان المسلمین نظام جامعه آینده را بر پایه قانون اسلام استوار می‌داند و حل مشکلات آن را در آموزه‌های دین می‌جوید. باری، این جنبش متون قطعی و ثابت دینی (قرآن و سنت) را با اجتهاد علما متفاوت می‌داند و فتواهای علما را در زمینه‌های گوناگون، مقدس نمی‌شمرَد.

۳. تفکیک قوا

تفکیک قوا و استقلال قوای قضائیه و مقننه از قوه اجرایی، از لوازم و ویژگی‌های اصلی حکومت‌های دموکراتیک به شمار می‌رود که هدفش جلوگیری از تسلط مُجریان سیاسی بر همه شئون کشور و حرکت به سوی نظام استبدادی است، اما هدف اصلی اخوان المسلمین از تأکید بر این ویژگی، بیشتر جلوگیری از متأثر شدن کارهای قضایی از سیاست‌ها و خواسته‌های حکومتی است.

اخوان المسلمین بر تفکیک و استقلال قوا از حقوق سیاسی مدرن تأکید می‌کند و به پشتوانهٔ تجربه‌اش، رویه‌ها و محاکم قضایی را از وابستگی به دستگاه‌های اجرایی، آسیب‌پذیر می‌داند و از سوی دیگر، به انگیزه جذب قشرهای سیاسی نوگرا، چنین دیدگاه سیاسی مدرنی عرضه می‌کند. این باور، پی‌آمد تحول اندیشه سیاسی اخوان در قرن ۲۱ است.

٤. پارلمان و تحزبگرایی

اخوان المسلمین به‌ویژه بر قدرت پارلمان و نظام پارلمانی در برابر نظام ریاستی تأکید می‌کند. این تأکید از تجربه‌های دشوار این گروه در مواجهه با حاکمیت جمهوری‌های ریاستی در کشورهای عربی و گرایش آنها به شیوه‌های استبدادی، سرچشمه می‌گیرد. نزد اخوان المسلمین راجح است که به جای داشتن قدرت در قالب نظام ریاستی (بخش گسترده‌ای از قدرت سیاسی در کشورهای گوناگون با توجه به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

جایگـاه خـاص اخـوان)، قـدرتی (حتـی انـدک) در قالـب نظـام پارلمـانی داشـته باشد (Moussalli, ۲۰۰۹, ۲٤)؛ وضعی که مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی گوناگون را در قدرت سیاسی امکان‌پـذیر می‌کنـد و از انحصـار قـدرت در شـخص یـا گروهـی خاص، می‌کاهد.

تأکید اخوان المسلمین بر نظام پارلمانی و تکثرگرایی حزبی بـا اندیشـه‌های بنیـادین این گروه مانند تأکید بر نظام شورایی و انحصارگرایی حزبی، متقابل است. اخوانی‌ها به نظام پارلمانی معتقدند، اما پارلمانتاریسم؛ یعنی پذیرش تـأثیر اراده گروه‌هـای پارلمـانی گوناگون، اختیارات قانون‌گـذاری و نظـارت بـر حـاکم و مهـار او، بـا چنـین اعتقـادی نمی‌سازد؛ زیرا اصل در نظام شورایی، مرکزیت قـدرت حـاکم و اعطـای تصـمیم‌گیری پایانی به آن است و استفاده از دیدگاه‌های دیگر افراد و گروه‌ها بـه انگیـزه بهینه‌سـازی فرآیند تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد؛ یعنی افراد و گروه‌های گوناگون، اَهرمـی اجرایـی و قانونی برای تحقق دیدگاه‌های خود ندارنـد. اخـوان المسـلمین بـه‌رغم تعارض‌هـای نظری مبانی فکری و حقوقی نظام شورایی و پارلمانی، می‌کوشد آنها را کنـار یـک‌دیگر جای دهد.

٥. آزادي‌هاي مدني

آزادی بیان و رسانه‌ها، آزادی مذهبی و عدم تبعیض نژادی و مـذهبی، اصـل برابـری شهروندان، آزادی اجتماعات و حقوق و آزادی‌هایی از این دست، از آزادی‌هـای مـدنی به شمار می‌روند که اخوان بر آزادی بیان و رأی در این میـان، تأکیـد می‌کنـد. تضـمین آزادی عقیده و بیان از سویی به تبلیغ و رواج مبانی اعتقادی اخوان المسـلمین (دعـوت همه به اسلام و سنت سلف صالح) می‌انجامد، اما از سوی دیگر، گروه‌های مخالف دین از محیط آزاد به سود گستراندن آموزه‌ها و اندیشه‌های خود بهره می‌گیرند که شـاید بـا آموزه‌های دینی ناسازگار باشند. از همین روی، اخوان المسلمین می‌کوشد بـا قیـدهایی مانند حفظ آداب عمومی و مبانی اساسی، آزادی اندیشه را به ناسـازگاری‌اش بـا عقیـده همه مسلمانان مقیَد کند.

اخوان المسلمین هم‌چنین بر آزادی اجتماعـات و مشـارکت در آنهـا تأکیـد می‌کنـد. نمونه‌هایی از آزادی اجتماعی که بـه امنیـت عمـومی آسـیب می‌رسـاند و بـه گسـترش

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

خشونت کمک می‌کند، از دید اخوان پذیرفته نیست. برگزاری آیین مذهبی و آزادی اقلیت‌های دینی و مذهبی در اجرای شعائر دینی‌شان، به دلایلی خاصی نزد اخوان پذیرفته است و بر آنها تأکید می‌کند (Al-Banna, ۱۹۷۸, ۱۳۰).

تأکید اخوان المسلمین بر حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان و پذیرفتگی مسائل و حقوق سیاسی نزد آنان، بر این دلالت می‌کند که این گروه به «کسب رضایت» شهروندان برای مشروعیت سیاسی و اجتماعی‌اش، به خوبی آگاه است. روی‌کردهای سیاسی و اجتماعی اخوانی‌ها نشان‌دهنده این است که این گروه هم‌چنین به مطالبه‌محور بودن تحولات جدید جهان عرب و اهمیت حرکت در قالب واقعیت‌های موجود آگاهی دارد و می‌کوشد با حفظ اصول و چارچوب‌های اسلامی، قدرت سیاسی‌اش را بر پایه رضایت عمومی و تفکرات سیاسی مدرن استوار کند. جای گرفتن چنین حقوق و آزادی‌هایی در چارچوب‌های مدرن و لیبرال دموکراتیک، با چارچوب‌های اسلامی اخوانی‌ها سازگار نیست، اما اخوان المسلمین هیچ راه حلی برای رفع این ناسازگاری‌ها و تناقض‌ها پیش نمی‌نهَد.

٦. اصول سیاست خارجی

اخوان المسلمین به‌رغم مواجهه گزینشی تمدن غربی در سیاست خارجی‌اش، بر روی‌کردهای گذشته خود و ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق فلسطینیان تأکید می‌کند. مبارزه با اسرائیل و اتحاد و انسجام کشورهای اسلامی و عربی در این‌باره، از هدف‌ها و برنامه‌های سیاسیِ مهم و آغازین اخوان المسلمین بوده است (امرایی، ۱۳۸۳، ۱۳۶). بنابراین، اخوانی‌ها همواره مخالف روی‌کرد رژیم‌های سیاسی برای سازش و هم‌کاری با اسرائیل بوده‌ا؛ چنان‌که با انعقاد توافق صلح با این رژیم سخت مخالفت کرده‌اند. اخوان المسلمین اکنون نیز معتقد است ماجرای فلسطین به ملت فلسطین محدود نیست، بلکه ماجرایی عربی و اسلامی است و فلسطینیان در خط مقدم این جبهه‌اند. به باور اخوانی‌ها، حمایت از مردم فلسطین در برابر اشغال‌گری ناگزیر و دفاع از آنان مشروع و از دید دینی، واجب است. هم‌چنین به حمایت از حق بازگشت آوارگان، سخت باور دارند. افزون بر این، اخوان المسلمین بر آزادی سرزمین‌های عربی تصرف شده مانند جولان از راه‌های دیپلماتیک، سیاسی و حتی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

نظامی تأکید می‌کند (محمد، ۱۳۹۰، ۱۸۲).

البته تحولات انقلابی مصر مانند حوادث میدان «التحریر»، روی کار آمدن مُرسی و سرنگونی وی و دست‌گیری و حتی خطر انحلال مصر، در اندیشه اخوان المسلمین بسیار تأثیر گذارد. اخوان هم‌زمان با آغاز اعتراضات انقلابی در مصر که به سرنگونی رژیم مبارک انجامید، همچون دیگر نیروهای سیاسی این کشور، راه‌برد خود را بر پایه وضع بیم و امید استوار کرد و در این‌باره بسیار تأثیر گذارد؛ چنان‌که حتی گاهی نیازهای غذایی معترضان را تأمین می‌کرد. باری، دو روز پیش از استعفای مبارک (نهم فوریه ۲۰۱۱)، در نشستی با حضور اعضای ارشد خود اعلام کرد که اخوان با حکومت مذهبی مخالف است؛ زیرا آن را با اسلام مغایر می‌داند و خواستار برپایی حکومت مدنی با مرجعیت اسلام است.

گزینش این روی‌کرد نظری پس از انقلاب، کار بسیار هوش‌مندانه‌ای می‌نمود؛ زیرا این گروه با توجه به پیشینه (بیش از هشت دهه) در ساختار سیاسی و اجتماعی مصر، می‌دانست تا زمانی که مردم مسلمان مصر به حقوق اجتماعی، سیاسی و دینی خود آگاه نشوند، مخالفت با رژیم سیاسی در قالب حزبی یا گروهی سودمند نخواهد بود و اکنون که انقلاب مردمی مصر به نتیجه رسیده است، هم‌سویی با انگارهٔ حکومت مدنی به جای حکومت مذهبی، مهم‌تر می‌نماید. بنابراین، محمد مرسی در نخستین انتخابات ریاست جمهوری دموکراتیک مصر (۲۰۱۲ م)، رئیس حزب آزادی و عدالت (حزبی اخوانی)، بر پایه آمار رسمی در رقابت با ژنرال احمد شفیق، پیروز شد و از مجلس منحل شده خواست که جلسه‌ای برگزار کند، اما بعدها از این کار عقب‌نشینی کرد. پس از کودتای ۲۰۱۳ ارتش درباره دولت محمد مرسی و دست‌گیری شمار فراوانی از اخوانیان، حزب چپ‌گرای «التجمع» دادخواست انحلال جماعت اخوان را به دادگاه برد و ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳ دادگاه، به ممنوعیت فعالیت اخوان المسلمین رأی داد و همه اموالش را مصادره کرد. دادگاه قاهره پس از این جلسه اعلام کرد که فعالیت اخوان المسلمین قانونی نیست و همه اموالش به سود دولت ضبط می‌شود. پس از این دادگاهی برای محاکمه محمد بدیع رهبر اخوان المسلمین و ۶۸۲ نفر دیگر از اعضا و پیروان اخوان در مصر برگزار شد و به اعدام آنان حکم کرد (۲۰۱۴ م).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

مشکلات برپایی و ماندگی نظام سیاسی

پس از خیزش‌های مردمی در مصر و سرنگونی حُسنی مبارک، تحولی اساسی در اوضاع مصر پدید آمد. خواست مردم و هدف اصلی جنبش‌ها، تحقق آزادی بود. پس از این پیروزی مهم، بنیادی‌ترین دغدغه احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا، چگونگی تأسیس نظام سیاسی و دولت جدید بر پایه گنجایی معرفتی مردم این کشورهاست که البته مشکلاتی فراروی دولت در کشورهای رها شده از استبداد، رخ می‌نماید.

پس از زمانی، نخستین انتخابات آزاد مجلس در مصر برگزار شد و گروه‌ها و افراد اسلام‌گرای مصر از میان نیروهای سیاسی فعال موجود در جامعه (ملی‌گراها، لیبرال‌ها، سوسیال دموکرات‌ها و...) بر پایه رأی مردم، توانستند بیشتر کرسی‌های مجلس را در این دو کشور به دست آورند، اما پس از یک سال تجربه سیاسی و کشورداری، جمعیت اخوان المسلمین مصر در عمل در حفظ و استمرار دولت سیاسی کامیاب نبود. مشکلات مهم فراروی ایجاد نظام سیاسی در مصر چنینند:

۱. بی‌تجربگی تاریخی در تأسیس نظام سیاسی

گروه‌های اسلام‌گرا به‌ویژه اخوان المسلمین در عرصهٔ قدرت سیاسی و ادارهٔ دولت تجربه تاریخی نداشتند. شماری از نمایندگان اسلام‌گرا به مجالس شورای کشورهای عربی راه یافتند، اما از حضور آنان در سطوح بالای حکومتی به‌ویژه دولت، جلوگیری می‌کردند. از سوی دیگر، امروزه حکومت بر جوامع و مدیریت کشور چون گذشته به آسانی امکان نمی‌پذیرد، بلکه مدیریت کارآمد و مؤثر جوامع، هم به ساختار اداری پاک، سالم، قانون‌مند و نهادمند و هم به حضور افراد متخصصی مسبوق است که درون آن نظام اداری به کنش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست می‌زنند. ناتوانی در این حوزه، مشکل مهم اسلام‌گرایان خواستار ایجاد دولت است. برخی از کشورهای موفق در تأسیس نظام سیاسی، از تجربه تاریخی در این‌باره برخوردار بوده‌اند. گروه‌های اسلامی بر اثر دور ماندنشان از قدرت و نداشتن تجربه در حوزه حکومت‌داری، تکنوکرات و بروکرات نیستند. از سوی دیگر، ساختار اداری موجود در بیشتر کشورهای عربی نیز از دید بوروکراتیک ناکارآمد است؛ یعنی بیشتر زمینه را برای سلطه افراد حاکم بر جامعه فراهم می‌کند. این ساختارها به تعالی و پیش‌رفت مردم در پناه قانون نمی‌انجامند و افراد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

متخصص این جوامع نیز از سیستم و دستگاه حکومتی قبلی برآمده‌اند که نه تنها معتمَد نیستند، بلکه شاید به کارگیری آنان به مخالفت انقلابیان و افکار عمومی جامعه بیانجامد.

۲. فاصله آرمان انقلابی حزب با تأسیس نظام سیاسی

اخوان در مصر اپوزیسیونی در حیات سیاسی این کشور به شمار می‌رود که هرگز در عرصه قدرت نبوده است. وفادار ماندن به ارزش‌های ایدئولوژیک و باورها و ارزش‌های دینی تا زمانی که احزاب در مقام اپوزیسیونَند، امکان‌پذیرتر و آسان‌تر است، اما اداره کشور، درگیر شدن با مسائل بین‌المللی و اوضاع داخلی تا چه اندازه زمینه را برای پاک‌دامنی مذهبی و ایدئولوژیک در حوزه عمل فراهم می‌آورد؟ اخوانی‌ها از سویی بر اصول اسلامی خود تأکید می‌کنند و از سوی دیگر در گفتمان سیاسی جدید خود، به تأسیس دولت عُرفی و دموکراتیک می‌گرایند که جمع این دو دشوار می‌نماید.

۳. مسئله قانون اسلامی

همه جنبش‌های اسلامی، در پی اجرای شریعت اسلامی بر پایه گزارش‌های صدر تاریخ اسلامَند، اما شریعت اسلامی، بدنه مدون و قطعی و معینی در کتاب‌های شرعی ندارد، بلکه مجموعه‌ای پیچیده و نامنسجمی از قانون‌ها و تفسیرهای نسل‌ها و مکتب‌های فقهی گوناگون در درازنای تاریخ سنت اسلامی است. تلاش برای ایجاد و اجرای سامانه‌ای حقوقی برآمده از شریعت یا استوار بر پایه شریعت، کاری بسیار مناقشه‌برانگیز خواهد بود. هم‌چنین اینکه چه کسی حق دارد قانون‌گذاری کند و این قانون‌گذاری باید با نظارت چه کسی صورت پذیرد، بر مناقشه احزاب اسلامی با یک‌دیگر بسیار می‌افزاید (رادگودرزی، ۱۳۹۲، ۱۷۴).

٤. نبود رهبری کاریزماتیک

جامعهٔ بسته به ظهور رهبران معنوی بانفوذ رخصت نمی‌دهد. اختناق موجود در نظام‌های دیکتاتوری زمینه کار را برای رهبران فهیم و قوی از میان برده است. مردمی که توانسته‌اند نظام‌های استبدادی را سرنگون کنند، از گونه‌ای رهبری مجازی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی برخوردار و جوانان نیروی محرک قیام در برابر دیکتاتوری‌ها

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

بوده‌اند. نبود رهبری مقبول مانند امام خمینی (ره) که به هـدایت اعتراضـات بـر حُکـام وقت می‌پرداخت، از کمبودهای اساسـی بـرای رسـیدن انقـلاب بـه نتیجـه بـوده و بـه پراکندگی نیروهای مؤثر جامعه انجامیده است. احزاب کوشیده‌اند تا اندازه‌ای این کمبود را جبران کنند، اما نبود رهبری واحد، از مشکلات تأسیس دولت جدیـد و ایجـاد نظـم پس از بی‌نظمی‌های برآمـده از تحـولات جامعـه اسـت. «خـلأ رهبـری ایـدئولوژیک و کاریزماتیک» یکی از چند عامل مهم ناکامی اخوان المسـلمین در ایجـاد و تثبیـت نظـام سیاسی به شمار می‌رود (هراتی، ۱۳۹۰، ۲۴۶).

۵. تـأثیـر غرب و امریـکـا در فـرآیـنـد ایـجـاد نـظـام سیـاسـي

دولت‌های غربی که در سرنوشت کشورهای عربـی بسـیار تـأثیر می‌گذارنـد، دربـاره کاهش نفوذشان در این کشورها نگرانند. برای نمونه، فرانسه درباره کـاهش نفـوذش در تونس و امریکا دربـاره از دسـت دادن مصـر، نگـران اسـت. نظـام ژئوپولیتیـک منطقـهٔ خاورمیانه بر پایهٔ هم‌سویی سیاسی کشورهای مصر و عربستان با امریکا اسـتوار و یـک بخش آن اکنون متحول شده است. شاید روی کار آمدن اسلام‌گرایان تعـادل سیاسـی را به سود فلسطینیان (مانند حماس) و به زیان رژیم صهیونیستی تغییر دهد. بنابراین، آنـان تلاش می‌کنند تا در ایجاد ساختارهای سیاسی کشورهای عربی و تدوین قانون آنهـا در دورهٔ گذار، تأثیر بگذارند. گفته‌اند امریکا به کمک شورای نظامی مصر بارهـا بـا اخـوان المسلمین مصـر مـذاکره کـرده اسـت تـا دیـدگاه ایـن گـروه را بـه‌ویژه دربـاره رژیـم صهیونیستی تعدیل کند. اکنون امریکا می‌کوشد مدیریت «بهار عربی» و قیام‌های مردم را در دست گیرد و هدف خاورمیانهٔ بزرگ (تغییرات مدیریت شده جهان عرب) را تحقـق بخشد. بنابراین، نفوذ غرب و امریکا در مصر و حزب اخوان المسـلمین مصـر از دیگـر مشکلات فراروی تأسیس نظام سیاسی است.

۶. فـرآیـنـد تـدویـن قـانـون اسـاسـي

چگونگی ایجاد نظام جدید و ساختارهای شایسـته بـرای ادارهٔ درازمـدت کشـور، از مسائل مهم پس از سقوط نظام‌های پیشین بوده اسـت. تـدوین قـانون اساسـی بـر پایـه آموزه‌های اسلام و تضمین داوم مشارکت مردم در تغییر سرنوشت خویش، از مشکلات بنیادین کنونی به شمار می‌رود. اکنون گروه‌های اسلام‌گرا با دیگر گروه‌هـای سـکولار و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

ملی، درباره چگونگی نظام آینده پاسخ یک‌سانی با یک‌دیگر ندارند. حتی اسلام‌گرایان نیز درباره شکل مطلوب نظام سیاسی آینده با یک‌دیگر متحد نیستند. برای نمونه، دو گروه اخوان المسلمین و سلفی‌ها در مصر در مسائل سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی با یک‌دیگر دارند و هر یک برداشت خاص خود را از اسلام عرضه می‌کند. همراه شدن اصلاح موادی از قانون اساسی مصر با اختلاف‌هایی میان اعضای کمیته پنجاه نفری مؤسسان (مرادی، ۱۳۹۲، ۱)، از روی‌دادهایی است که از آن با عنوان «اخوانیزه کردن» قانون اساسی مصر یا توقف در تدوین قانون اساسی یاد می شود و این خود به کُندی روند تدوین قانون اساسی می‌انجامد.

۷. ارتش

ارتش هم‌زمان با قیام مردمی، برای حفظ منافع اقتصادی و مسئله جانشینی تا اندازه‌ای با مبارک مخالف بود و این خود در چگونگی تعامل ارتش با قیام مردمی اخیر مصر، تأثیر گذارد و به عامل مؤثری در ساختار سیاسی جدید کشور انجامید؛ یعنی جدایی ساختار نهادینه ارتش از برخی از سیاست‌های مبارک در تحولات سال‌های گذشته، زمینه را برای نقش‌آفرینی مستقل ارتش فراهم آورد. بنابراین، ارتش از این زمینه سود جست و با اعلان بی‌طرفی‌اش، توانست رشته امور سیاسی و اقتصادی مصر را در دست گیرد و هنگامی که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری روشن شد، زمینه را برای برکناری نخستین رئیس جمهوری قانونی مصر فراهم کرد. با توجه به این پیشنیه تاریخی، ارتش مصر همواره از مشکلات اساسی فراروی اخوان المسلمین در ایجاد نظام سیاسی خواهد بود.

۸. مردم‌سالاری در گفتمان جدید

پاسخ عملی به این پرسش‌ها از مهم‌ترین مشکلات اخوان است: آیا اخوان تنها به پذیرش اصول خاصی از مردم‌سالاری مانند تکثر احزاب، انتخابات و قانون‌گذاری باور دارد یا به دیگر ارزش‌های سیاسی و فرهنگی مردم‌سالاری نیز معتقد است؟ آیا اخوان مفهوم دموکراسی را محصولی غربی می‌داند یا میراث ارزش‌مند بشری که سرمایه هر فرهنگ یا ملتی برای پیشرفت است؟ انعطاف‌پذیری اخوان، فرآیندهای سیاسی را امکان‌پذیر کرده است. آنان به‌رغم اینکه مسلمان متشرع، مبلغ مذهبی و حتی صوفی‌اند،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

از سوی دیگر فعالی سیاسی، نماینده پارلمان یا عضو سندیکای حقوقی به شمار می‌روند (رادگودرزی، ۱۳۹۲، ۱۷۴). اخوان المسلمین با تأکید بر اصول و احکام اسلامی و لزوم اجرای آن در جامعه، بر پای‌بندی خود به تفکرات بنیادین اسلام‌گرایانه پای می‌فشرَد، اما به چگونگی حل و فصل تناقضات این اصول با مباحث عرفی و سکولار اشاره نمی‌کند. برای نمونه، نظام قضایی اسلامی و عرفی از دید منابع حقوقی، اصول و قانون‌های اجرایی با یک‌دیگر بسی متفاوتند و ایجاد نظام قضایی اسلامی در چارچوب حکومتی عرفی و سکولار ممکن نیست. نیز نظام اقتصادی عرفی رایج جوامع سرمایه‌داری بر پایه اصولی همچون «سود و منفعت اقتصادی» استوار است که با نظام اقتصادی اسلامیِ مبتنی بر «حرمت ربا» متناقض می‌نماید. اخوان چگونگی اجرای احکام و مقررات اسلامی را بدون پشتوانه حکومت اسلامی و در چارچوب عُرفی (سکولار) پاسخ نداده است؛ یعنی مرزهای حکومت عرفی و مدرن با شریعت اسلامی در اندیشه و دیدگاه‌های سیاسی اخوان المسلمین آشکار نیست.

برخی از پژوهش‌گران در این زمینه به مسائلی مانند ناتوانی یا ناکارآمدی در برآوردن انتظارات و پاسخ‌گویی به مطالبات آنان، نبود اندیشه مشترک درباره نظام آینده، اختلاف‌های سیاسی احزاب و رهبران آنها با یک‌دیگر، کمبود مدیران مجرَب و متعهد انقلابی برای پاسخ‌گویی به نیازهای فوری مردم، اختلاف جوانان انقلابی با رهبران سال‌خورده مجرب، ماندگاری ساختارها و مقام‌های رژیم سابق، تضاد منافع بازی‌گران عرصه سیاسی، کمبود منابع مالی برای ادارهٔ کشور و معاهدات بازماندهٔ رژیم‌های سابق مانند کمپ دیوید، اشاره کرده‌اند که «درک صحیح مطالبات مردم»، «چگونگی تدوین قانون اساسی و دیگر قانون‌های ناگزیر کشور» و «میزان تحقق‌بخشی به حکم‌روایی خوب» برای جلب «رضایت مردم» از مهم‌ترین آنهاست (علایی، ۱۳۹۰، ۱۰۱).

نتیجه

اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در قرن ۲۱ در سنجش با گذشته تاریخی اخوان در جهان اسلام، بسی متحول شده است. تلاش نخستین مؤسسان و رهبران اخوان، به بازگشت به اندیشه خلافت اسلامی معطوف بود، اما پس از چند دهه به‌ویژه در دوره سید قطب، هدف اخوان تغییر کرد و در دوره معاصر به‌ویژه پس از خیزش مردمی مصر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

(۲۰۱۱ م)، به ایجاد دولت و نظام سیاسی به شیوه مدرن و دموکراتیک روی آورد. روند تحول گفتمان سیاسی اخوان المسلمین مصر به دو مرحله گفتمانی تقسیم‌پذیر است:

۱. مرحله گفتمانی اندیشه خلافت و حکومت اسلامی (۱۹۲۸ تا ۲۰۱۱)؛

۲. مرحله گفتمانی اندیشه نظام دموکراتیک و تمرکز بر حکومت عرفی (۱۹۹۰ و پس از آن).

بر پایه این تقسیم‌بندی، تفکر گفتمانی اخوان، از راه تحول پر فراز و فرودی گذشته است. جمعیت در آغاز کار به انگیزه ایجاد اعتدال اسلامی، در برابر موج‌های ملی‌گرایی و سکولاریسم ایستاد و در پی احیای خلافت اسلامی بود و به همین سبب در کشورهای مختلف عربی گسترش یافت، اما آرام‌آرام از دید فکری و سیاسی متحول و متکثر شد و به‌ویژه از اندیشه خلافت اسلامی به سوی اندیشه حکومت اسلامی حرکت کرد. هم‌چنین تحزب را عامل اختلاف و شکاف نمی‌دانست، بلکه حزب‌گرایی را پذیرفت و از قالب‌های حزبی برای مشارکت در عرصه قدرت بهره برد و انعطاف پذیرفت و به اصلاح‌طلبی گسترده در روی‌کردهای سیاسی پرداخت.

مهم‌ترین تحول این جنبش، کسب قدرت بود که زمینه‌اش پس قیام مردم و سرنگونی مبارک فراهم آمد. قیام‌های مردم در کشورهای عربی دست‌آوردهای بزرگی داشت. تحولات سیاسی پس از انقلاب‌های عربی، به برگزاری انتخابات عمومی و آزاد در مصر انجامید. گروه اسلام‌گرای اخوان المسلمین به پشتوانهٔ رأی مردم به قدرت رسید و به رهبری محمد مرسی دولت و نظامی سیاسی بر پا کرد، اما این دولت مستعجل بود و بیش از یک سال در عرصه قدرت نماند.

اخوان اکنون می‌کوشد الگویی تازه در زمینه کشورداری عرضه کند تا از بحران‌های برآمده از ناکارآمدی نظام سیاسی موجود بکاهد، اما الگوها و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی این گروه نیز در عمل کارآمد نیستند؛ زیرا در بیشتر حوزه‌ها و محورها، در سطح نظری و کلی مانده و به راه‌کارهای عملی نپرداخته‌اند. برای کمک به ایجاد نظام سیاسی در مصر و ماندگاری دولت در دست اخوان المسلمین، افزون بر شناخت دقیق و گسترده درباره جامعه مصر، پیش‌نهاد می‌شود الگویی سازگار با اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور عرضه شود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

کتاب‌نامه

ـ امرایی حمزه (۱۳۸۳)، *انقلاب اسلامی و جنبش های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ـ تاجیک محمدرضا (۱۳۷۸)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.

ـ حقیقت، صادق (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

ـ خامه‌یار عباس (۱۳۹۰)، *ایران و اخوان‌المسلمین؛ عوامل هم‌گرایی و واگرایی*، تهران، اندیشه‌سازان نور.

ـ رادگودرزی معصومه (دوره نخست ۱۳۹۲)، «سیر تحول ایدئولوژیک اخوان المسلمین مصر و چالش‌های پیشِ رو»، *پژوهش‌های روابط بین الملل*، شماره هفتم.

ـ سلطانی علی‌اصغر (سال هفتم ۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، *علوم سیاسی*، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، شماره ۲۸.

ـ صادقی، هادی و چیت‌سازیان، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «روی‌کرد اخوان المسلمین در قبال فرآیند دموکراسی در مصر»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل*، شماره ۲.

ـ صالحی‌زاده، هادی (تابستان ۱۳۹۰)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی»، *معرفت فرهنگی ـ اجتماعی*، شماره ۳.

ـ علایی حسین (زمستان ۱۳۹۰)، «چالش‌های فراروی اسلام‌گرایان در تشکیل دولت»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۴۸.

ـ قادری حاتم (۱۳۸۶)، *پراکسیس؛ تعاطی اندیشه و فعل سیاسی در خاورمیانه*، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و استراتژیک خاورمیانه.

ـ محبی اعظم (۱۳۹۰/۴/۲۲)، «نگاه اخوان‌المسلمین به ایران و امریکا»، *روزنامه*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

شرق، شماره ۱۲۹۳.

ـ محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۸۴)، *جمعیت اخوان المسلمین مصر*، ترجمه و آماده‌سازی مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، اندیشه‌سازان نور.

ـ هراتی، محمدجواد(بهار ۱۳۹۱)، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۸.

ـ الهضیبی، حسن اسماعیل (۱۳۷۹) *دعاه لاقضاه*، قاهره، دارالتوزیع و نشر الاسلامیه.

- Al-Banna, Hassan, (1978), Five Tracts of Hasan Al-banna: A Selection from the Majumuat Rasail al-imam al-Shahid Hasan al-banna, translated and annotated by Charles Wendell, Berkeley: University of California press.
- Foucault,M, (1962), The Archaeology Knowledge, Translated by A.Sheridan clondon: Routledye.
- Harris, Christina Phelps (1964), Nationalism and Revolution in Egypt: the role of The Muslim Brotherhood, New York: Hyperion press.
- Harris, Christina Phelps (1964), Nationalism and Revolution in Egypt: the role of The Muslim Brotherhood, New York: Hyperion press.
- Helfont, Samuel (2009), Yusuf al- Qaradawi Islam and Modernity, Tel Aviv: Moshe Dayan Center.
- Helfont, Samuel (2009), Yusuf Qardawi Islam and modernity, Tel Aviv: Moshe Dayan Center.
- Hourani, Albert(1970), Arab Thought in a Liberal Age, New York :Oxford University Press.
- Khan, Muqtader (2001), The Political PhilosophyOf Islamic Resurgence, journal of Cultural Dynamics, No.۱۳.
- Laclaau and mouffe,(1987), Hegemony and 80 aalist sterategy: Towards a Radical Pemocratic Politics, London:werso.
- Zubada, Sami (1992), Islam, the State and Democracy: contrasting Conceptions of Society in Egypt, Middle East Report, Vol.22,No.179.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]

منابع اینترنتی

- Mitchell, Richard (1993), Wahhabism, Salafism and Islamism: Who Is the Enemy? , conflict forum, Retieved from www.conflictsforum.org.
- Moussalli, Ahmad (2009), Wahhabism, Salafism and Islamism: Who Is The Enemy?www.conflictsforu. org.
- مرادی وحید(۱۳۹۲)، چالش‌های اساسی دولت کنونی مصر
- www.tabyincenter.ir/index.php/developments-in
- خدایی زهرا، «اخوانی‌ها دموکراسی مدنظر خود را روی کار می‌آورند»، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، www.khabarnline.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1393.1.16.5.5]